

لنن و مسئله ی اتحاد با دهقان میانه حال

جواب به رفیق اس.

ی. و. استالین

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
تیر ۱۳۸۷

لنین و مسئله‌ی اتحاد با دهقان میانه حال^۱

جواب به رفیق اس.

رفیق اس!.

این درست نیست که شعار لنین، حاکی از این که "باید در سازش با دهقانان میانه حال توفیق حاصل کرد، دقیقه‌ای هم از مبارزه با کولاک‌ها نباید دست کشید و فقط به دهقانان تهیدست محکم تکیه کرد" که در مقاله‌ی مشهور وی درباره‌ی پیتریم سارووکین [۲۲] نوشته شده، - گوئی شعار "دوره‌ی کمیته‌های دهقانان تهیدست"، شعار "پایان دوره‌ی به اصطلاح بی طرف کردن دهقانان میانه حال" می باشد. این به هیچ وجه درست نیست. کمیته‌های دهقانان تهیدست در ماه ژوئن سال ۱۹۱۸ تشکیل شده بودند. در اواخر ماه اکتبر سال ۱۹۱۸ نیروی ما در روستا علیه کولاک‌ها دیگر تفوق داشت و دهقان میانه حال به طرف حکومت شوروی برمی گشت. تصمیم کمیته‌ی مرکزی هم راجع به از بین بردن حکومت دوگانه میان شوراها و کمیته‌های دهقانان تهیدست و راجع به تجدید انتخابات شوراهای بخش و دهات و حل کمیته‌های دهقانان تهیدست در شوراهائی که جدیداً انتخاب می شوند و بنابراین در باب الغاء کمیته‌های دهقانان تهیدست بر پایه‌ی همان برگشت اتخاذ گردید. چنان که می دانیم این تصمیم در ۹ ماه نوامبر سال ۱۹۱۸ در کنگره‌ی ششم شوراها صورت رسمیت شوروی به خود گرفت. منظور من تصمیم کنگره‌ی ششم شوراها مورخه‌ی ۹ نوامبر سال ۱۹۱۸ است که در خصوص تجدید انتخابات شوراهای روستا و بخش و حل کمیته‌های دهقانان تهیدست در شوراها، اتخاذ گردید. حال ببینیم مقاله‌ی لنین تحت عنوان "اعترافات ذی قیمت پیتریم سارووکین" که به جای شعار بی طرف کردن دهقان میانه حال، شعار سازش با دهقان میانه حال را اعلام می دارد چه موقع انتشار یافت؟ این مقاله در ۲۱ نوامبر سال ۱۹۱۸ یعنی قریب دو هفته بعد از تصمیم کنگره‌ی ششم شوراها انتشار یافت. لنین در این مقاله رُک و راست می گوید که سیاست سازش با دهقان میانه حال را قضیه‌ی برگشت دهقان میانه حال به طرف ما ایجاب میکند. این است گفته‌های لنین:

۱ - با پاره‌ای اختصارات چاپ می شود. ی. استالین

« وظیفه‌ی ما در روستا نابودی ملاک، در هم شکستن مقاومت استثمار کننده و کولاک می‌باشد؛ برای انجام این وظیفه فقط می‌توانیم به نیم پرولترها یعنی به "دهقانان تهیدست" به طور استوار تکیه کنیم. لیکن دهقان میانه حال دشمن ما نیست. او مردد بوده، هست و خواهد بود. وظیفه‌ی اعمال نفوذ بر مردها با وظیفه‌ی سرنگون ساختن استثمار کننده و غلبه بر دشمن فعال یکسان نیست. در سازش با دهقان میانه حال توفیق حاصل نمودن، دقیقه‌ای هم از مبارزه با کولاک‌ها دست نکشیدن و فقط به دهقانان تهیدست محکم تکیه کردن - این است وظیفه‌ی ما در لحظه‌ی کنونی، زیرا هم اکنون است که، به علل فوق‌الذکر، برگشت دهقانان میانه حال به طرف ما ناگزیر می‌باشد. » *^۲ (جلد ۲۳ آثار ص. ۲۹۴ - چاپ روسی)

از اینجا چه برمی‌آید؟

از اینجا این بر می‌آید که شعار لنین به دوره‌ی سابق یعنی به دوره‌ی کمیت‌های دهقانان تهیدست و بی‌طرف کردن دهقان میانه حال مربوط نبوده بلکه به دوره‌ی تازه یعنی به دوره‌ی سازش با دهقان میانه حال مربوط می‌باشد. بدین طریق آن شعار نه آخر دوره‌ی سابق بلکه آغاز دوره‌ی تازه را منعکس می‌نماید.

و اما دعوی شما درباره‌ی شعار لنین نه تنها ظاهراً، نه فقط از لحاظ به اصطلاح رعایت ترتیب تاریخ صحیح نیست، بلکه از نظر ماهیت امر هم غلط است. می‌دانیم که شعار لنین درباره‌ی سازش با دهقان میانه حال به عنوان شعار تازه، در کنگره‌ی هشتم حزب ما (ماه مارس سال ۱۹۱۹) به عموم حزب اعلام گشت. می‌دانیم که کنگره‌ی هشتم حزب همان کنگره‌ایست که پایه‌های سیاست ما را در باب اتحاد محکم با دهقان میانه حال استوار ساخت. می‌دانیم که برنامه‌ی ما یعنی برنامه‌ی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی هم در کنگره‌ی هشتم حزب تصویب شد. می‌دانیم که در این برنامه درباره‌ی رفتار حزب نسبت به دستجات مختلف روستا: دهقان تهیدست، میانه حال و کولاک‌ها مواد مخصوصی وجود دارد. در این مواد برنامه‌ی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی درباره‌ی دستجات اجتماعی روستا و راجع به رفتار حزب نسبت به آنان چه گفته شده است؟ گوش کنید:

۲ - (*) - تکیه روی کلمات همه جا از منست. ی. استالین (هرکجا علامت ستاره است - هیئت تحریریه)

« حزب کمونیست روسیه در تمام فعالیت خویش در روستا مانند سابق به قشرهای پرولتری و نیم پرولتری روستا تکیه کرده، حوزه‌های حزبی در ده، سازمان‌های دهقانان تهیدست، نوع مخصوصی از اتحادیه‌های پرولتری و نیمه پرولتری روستا و غیره تشکیل داده، آنها را با تمام وسائل ممکنه با پرولترهای شهری نزدیک کرده، از زیر نفوذ بورژوازی روستا و منافع خرده مالکانه رها نموده و بدین ترتیب قبل از هر چیز آنها را به شکل نیروی مستقلی متشکل می‌سازد.

سیاست حزب کمونیست روسیه نسبت به کولاک‌ها و بورژوازی روستا عبارت از مبارزه‌ی قطعی علیه تمایلات استثمار طلبانه‌ی آنها و فرو نشانیدن مقاومت آنها در مقابل سیاست شوروی می‌باشد.

سیاست حزب کمونیست روسیه نسبت به دهقانان میانه حال عبارت است از جلب تدریجی و منظم آنان به کار ساختمان سوسیالیستی. حزب این وظیفه را در مقابل خود قرار می‌دهد که آنها را از کولاک‌ها جدا سازد، نسبت به احتیاجاتشان توجه دقیق مبذول دارد، علیه عقب ماندگی‌شان، بدون این که ابدأ فشاری وارد آورد، به وسیله‌ی تأثیر ایدئولوژیک مبارزه نماید و از این راه آنها را به طرف طبقه‌ی کارگر جلب کند و در مواردی که با منافع حیاتی دهقانان میانه حال تماس دارد، در سازش‌های عملی با آنان سعی بوده، در تعیین طرز اجرای تغییرات سوسیالیستی نسبت به آنان گذشت‌هایی بنماید. » * (کنگره‌ی هشتم حزب کمونیست (بلشویک) روسیه - گزارش تند نویسی ص. ۳۹۶) [۲۳]

آزمایش کنید، ببینید می‌توانید بین این مواد برنامه و شعار لنین کوچک‌ترین تفاوتی ولو لفظی هم باشد، بیابید! شما چنین فرقی را نخواهید یافت زیرا چنین فرقی در طبیعت هم وجود ندارد. علاوه بر آن، هیچ جای شبهه‌ای نمی‌تواند باشد، که شعار لنین نه تنها مخالف تصمیمات کنگره‌ی هشتم مربوط به دهقان میانه حال نیست بلکه برعکس مناسب‌ترین طرز افاده‌ی صریح این تصمیمات می‌باشد. و اما این خود واقعیتی است که برنامه‌ی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی در ماه مارس ۱۹۱۹ در کنگره‌ی هشتم حزب که به خصوص مسئله‌ی دهقان میانه حال در آن، مورد مذاکره بود، تصویب شد، حال آن که مقاله‌ی لنین علیه پیتریم ساروکین، مقاله‌ای که شعار سازش با دهقان میانه حال را اعلام داشت، در ماه نوامبر سال ۱۹۱۸ یعنی چهار ماه قبل از کنگره‌ی هشتم حزب در مطبوعات درج گردید.

مگر واضح نیست که کنگره‌ی هشتم حزب، شعار لنین را که در مقاله‌ی وی علیه پیتریم ساروکیین اعلام گشت، به منزله‌ی شعاری که حزب در فعالیت خود در روستا طی تمام دوره‌ی کنونی ساختمان سوسیالیستی موظف است آن را سرمشق خویش قرار دهد، تمام و کمال تائید نمود؟

نمک شعار لنین در چیست؟

نمک شعار لنین در اینست که این شعار به طور درخشانی وظیفه‌ی سه گانه‌ی واحد مربوط به فعالیت حزبی را در روستا درک می‌کند، وظیفه‌ای که در یک فرمول فشرده افاده شده است:

(الف) به دهقان تهیدست تکیه کن؛

(ب) ترتیب سازش با دهقان میانه حال را فراهم آور؛

(ج) دقیقه‌ای هم مبارزه را علیه کولاک قطع نکن.

اکنون آزمایش کنید و یکی از حصه‌های این فرمول را به منزله‌ی اساس و مبداء فعالیت امروزی در روستا بردارید و سایر حصه‌های آن را فراموش کنید - در این صورت شما حتماً در بن بست خواهید افتاد. آیا در شرایط مرحله‌ی کنونی ساختمان سوسیالیستی بدون تکیه کردن به دهقانان تهیدست و بدون مبارزه علیه کولاک سازش حقیقی و استوار با دهقان میانه حال ممکن است؟ ممکن نیست. آیا در شرایط ترقیات امروزی بدون تکیه کردن به دهقانان تهیدست و بدون سازش با دهقانان میانه حال مبارزه‌ی موفقیت آمیز علیه کولاک ممکن است؟ خیر؛ غیرممکن است. چگونه می‌توان این وظیفه‌ی سه گانه‌ی واحد کار حزبی را در روستا با مناسب‌ترین وجهی در یک شعار عمومی بیان نمود؟ گمان می‌کنم شعار لنین با مناسب‌ترین وجهی این وظیفه را بیان کرده است. باید اذعان کرد که مناسب‌تر از آن چه لنین گفته است، نمی‌توان گفت...

چرا مخصوصاً اکنون و به ویژه در شرایط امروزی فعالیت در روستا، لازم می‌آید در سودمند بودن شعار لنین تأکید داشت؟

چون مخصوصاً در حال حاضر است که تمایلی در بعضی از رفقا برای تقسیم این وظیفه‌ی سه گانه‌ی واحد کار حزبی در روستا و تجزیه و انفاک آن از یک دیگر دیده می‌شود. این مسئله در عملیات و مبارزه‌ی ما برای تهیه و تدارک غله در ماه ژانویه - فوریه سال جاری تماماً تائید شده است، این که با دهقان میانه حال باید سازش برقرار نمود - این را همه‌ی بلشویک‌ها می‌دانند، اما این که چه گونه باید این سازش را برقرار نمود - این را همه کس پی نمی‌برد. بعضی‌ها می‌خواهند سازش با دهقان میانه حال را از طریق امتناع از مبارزه علیه کولاک‌ها یا از طریق تضعیف این مبارزه برقرار کنند: به زعم آنها مبارزه علیه کولاک‌ها ممکن است قسمتی از دهقانان میانه حال یعنی قسمت با بضاعت آنان را رم بدهد. دیگران می‌خواهند سازش با دهقان میانه حال را از

طریق امتناع از کار در راه متشکل ساختن دهقانان تهیدست یا از طریق تضعیف این کار برقرار سازند: به زعم آنان متشکل ساختن دهقانان تهیدست موجب مجزا شدن دهقانان تهیدست گشته و این مجزا شدن هم ممکن است دهقان میانه حال را از ما رم بدهد. در نتیجه‌ی چنین انحرافات از خط مشی صحیح، این اصل مارکسیستی فراموش می‌شود که دهقان میانه حال طبقه‌ی مردد است و سازش با دهقان میانه حال را فقط به شرط مبارزه‌ی قطعی علیه کولاک‌ها و تقویت کار بین دهقانان تهیدست می‌توان استوار نمود و بدون این شرایط دهقان میانه حال ممکن است به سوی کولاک، که آن را نیروئی می‌شمارد، روآور شود. سخنانی را که لنین در کنگره‌ی هشتم حزب گفته است به یاد آورید:

« طرز رفتار با طبقه‌ای را که موقعیت معین و پایداری ندارد * باید تعیین نمود. توده‌ی پرولتاریا له سوسیالیسم و توده‌ی بورژوازی علیه سوسیالیسم می‌باشد - تعیین مناسبات میان این دو طبقه آسان است. اما، وقتی به چنین قشری مثل قشر دهقانان میانه حال می‌رسیم، معلوم می‌شود که این - طبقه‌ایست در حال تردید. او یک قسمت مالک و قسمتی زحمتکش است. او سایر مردمان زحمتکش را استثمار نمی‌کند. طی ده‌ها سال او مجبور بود با زحمات زیادی از موقعیت خویش دفاع نماید، او استثمار ملاکین و سرمایه‌داران را بر دوش خود آزموده است، او متحمل همه چیز شده است ولی معذالک مالک است. بنابراین رفتار ما با این طبقه‌ی مردد مشکلات فراوانی در بر دارد. »
(از تند نویسی گزارش "کنگره‌ی هشتم حزب کمونیست (بلشویک) روسیه" ص. ۳۴۶) [۲۴]

لیکن انحرافات دیگری هم از خط مشی صحیح وجود دارند که خطر آنها از انحرافات پیشین کمتر نیست. گاه می‌شود که علیه کولاک‌ها مبارزه می‌کنند ولی این مبارزه را چنان ناماهرانه و بی‌معنی انجام می‌دهند که ضربه‌ی آن به دوش دهقان میانه حال و تهیدست وارد می‌آید. در نتیجه کولاک صحیح و سالم می‌ماند، امر اتحاد با دهقان میانه حال خلل دار می‌شود و قسمتی از دهقانان تهیدست هم موقتاً به چنگال کولاک می‌افتند که مشغول خالی کردن زیر پی سیاست شوروی است.

مواردی هم از این قبیل هست که کوشش دارند مبارزه‌ی علیه کولاک‌ها را به سلب دارائی از کولاک‌ها و کار تهیه‌ی غله را هم به اصول اخذ مازاد خواربار بدل سازند و در این حال فراموش می‌کنند که سلب دارائی از کولاک،

در شرایط فعلی حماقت است و معنی اجرای اصل اخذ مازاد خواربار هم اتحاد با دهقانان میانه حال نبوده، بلکه مبارزه علیه وی است.

این انحراف‌های از خط مشی حزب ناشی از چیست؟

اینها ناشی از نفهمیدن اینست که وظیفه‌ی سه گانه‌ی کار حزبی در روستا وظیفه‌ی واحد و جدائی ناپذیر است، ناشی از نفهمیدن اینست که وظیفه‌ی مبارزه علیه کولاک‌ها را از وظیفه‌ی سازش با دهقان میانه حال نمی توان سوا کرد و هر دوی این وظایف را هم از وظیفه‌ی تبدیل دهقان تهیدست به تکیه گاه حزب در روستا نمی توان جدا نمود.^۳

برای این که این وظایف در طی فعالیت فعلی ما در روستا از یک دیگر گسیخته نشوند، چه باید کرد؟

۳ - از این مطلب چنین بر می آید که انحراف از خط مشی صحیح برای امر اتحاد کارگران و دهقانان دو نوع خطر به وجود می آورد: خطر از طرف کسانی که فرض کنیم خیال دارند اقدامات موقت فوق‌العاده در زمینه‌ی تهیه‌ی غله را خط حرکت دائمی یا طولانی سیاست حزب قرار دهند و خطر از طرف کسانی که خیال دارند الغای اقدامات فوق‌العاده را برای باز کردن دست و پای کولاک، برای اعلان آزادی کامل تجارت، بدون تنظیم آن از طرف مقامات دولتی، مورد استفاده قرار دهند. بنابراین برای تأمین خط مشی صحیح، مبارزه در دو جبهه لازم است.

فرصت را مغتنم شمرده متذکر می گردم که مطبوعات ما همیشه این قاعده را مراعات نمی کنند و گاهی تا اندازه‌ای به یک طرفی بودن ابراز تمایل می کنند. گاهی مثلاً نقاب از چهره‌ی کسانی بر می دارند که می خواهند اقدامات فوق‌العاده‌ی تهیه‌ی غله را، که جنبه‌ی موقتی دارد، به خط حرکت دائمی سیاست ما بدل نموده، پیوند میان کارگران و دهقانان را به خطر اندازند. این کار بسیار خوب است. ولی آن چه که خوب و درست نیست، اینست که در آن واحد به قدر لازم به آنهایی که از جانب دیگر این امر پیوند را در خطر می اندازند، توجه نکرده و آنها را رسوا نمی سازند، آنهایی را رسوا نمی سازند که به محیط خرده بورژوازی تسلیم شده، خواستار آنند که مبارزه با عناصر سرمایه‌داری روستا تخفیف یابد و آزادی کامل بازرگانی، بدون این که دولت نقش تنظیم کننده‌ای داشته باشد، برقرار گردد و به این ترتیب از جانب دیگر به امر این پیوند لطمه وارد می آورند. این دیگر خوب نیست. این یک طرفی بودن است.

گاهی هم پرده از رخسار کسانی بر می دارند که فرض کنیم امکان و فایده‌ی بالا بردن سطح اقتصادیات انفرادی دهقان خرده پا و میانه حال را که در مرحله‌ی کنونی پایه‌ی اقتصاد روستائی را تشکیل میدهد، انکار می کنند. این کار بسیار خوب نیست. ولی آن چه که خوب و درست نیست، اینست که در عین حال پرده از روی اشخاصی بر نمی دارند که از اهمیت کلخوزها و سوخوزها کاسته و نمی بینند که وظیفه‌ی بالا بردن سطح اقتصاد انفرادی دهقان خرده پا و میانه حال باید عملاً با وظیفه‌ی بالا بردن سطح ساختمان کلخوزی و سوخوزی تکمیل گردد. این دیگر عمل یک طرفی است. برای تأمین خط مشی صحیح باید در دو جبهه مبارزه نمود و هر گونه یک طرفی بودن را دور انداخت.

باید اقلأ چنان شعار رهبری کننده‌ای داده شود که همه‌ی این وظایف را در یک فرمول کلی مجتمع کرده و بدین طریق اجازه ندهد که این وظایف از یک دیگر جدا شوند.

آیا در زرادخانه‌ی حزبی ما چنین فرمول، چنین شعاری وجود دارد؟
آری، وجود دارد. این فرمول همان شعار لنین است:

« باید در سازش با دهقانان میانه حال توفیق حاصل کرد، دقیقه‌ای هم از مبارزه با کولاک‌ها دست نکشید و فقط به دهقان تهیدست محکم تکیه کرد. »

این است که تصور می‌کنم این شعار سودمندترین و جامع‌ترین شعار است و باید همین حالا، در شرایط کنونی فعالیت در روستا، آن را در ردیف نخست قرار داد.

شما شعار لنین را شعار "اپوزیسیونی" شمرده، در نامه‌ی خود می‌پرسید:

« چه طور شد که این شعار اپوزیسیونی برای اول ماه مه سال ۱۹۲۸، در "پراودا" چاپ شد... انتشار این شعار را در صفحات "پراودا" ارگان کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی چگونه می‌توان ایضاح کرد، این فقط غلط فنی چایی است و یا این که صلح و مصالحه‌ای با اپوزیسیون در مسئله‌ی دهقان میانه حال می‌باشد؟. »

با لحن سهمگینی گفته شده است - حرفی نیست! ولی با این حال، رفیق اس.، "سر پیچ و خم‌ها" با احتیاط‌تر باشید! مبادا با این تند و تیزی که در شما هست؛ ناگزیر به این نتیجه برسید که باید چاپ و نشر برنامه‌ی ما که شعار لنین را تماماً تائید می‌کند (این یک واقعیتی است) منع گردد، شعاری که اساساً با دست لنین (که ابدأ اپوزیسیونر هم نیست!) تهیه و از طرف کنگره‌ی هشتم حزب (که آن هم در اپوزیسیون نیست) تصویب گردیده است. به مواد معینی از برنامه‌ی حزب ما راجع به دستجات اجتماعی روستا احترام بیشتری بگذارید! برای تصمیمات کنگره‌ی هشتم راجع به دهقان میانه حال احترام بیشتری قائل شوید! و اما راجع به جمله‌ی شما درباره‌ی "مصالحه با اپوزیسیون در مسئله‌ی دهقان میانه حال" تصور می‌کنم به رد کردن نمی‌ارزد: گویا این جمله را موقعی گفته‌اید که حرارتتان تند بوده است.

از قرار معلوم برای شما این کیفیت، تولید ابهام می کند که در شعار لنین و در برنامه‌ی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی که در کنگره‌ی هشتم به تصویب رسید از سازش با دهقان میانه حال سخن رفته است، در صورتی که لنین در موقع افتتاح کنگره‌ی هشتم، در نطق خود از اتحاد محکم با دهقان میانه حال سخن می راند. شاید شما در این نکته چیزی شبیه تضاد مشاهده می نمائید. شاید شما حتی مایلید گمان کنید که سیاست سازش با دهقان میانه حال چیزیست شبیه به دور شدن از سیاست اتحاد با او. این درست نیست، رفیق اس. این گمراهی بزرگیست. فقط کسانی می توانند این طور فکر کنند که خواندن حروف شعار را بلدند ولی به معنی شعار نمی توانند، پی ببرند. فقط اشخاصی این طور فکر می کنند که تاریخچه‌ی شعار سازش با دهقان میانه حال را نمی دانند. فقط کسانی می توانند این طور فکر کنند که قادرند تصور نمایند که چون لنین در نطق افتتاحیه‌ی خود در کنگره‌ی هشتم درباره‌ی سیاست "اتحاد محکم" با دهقان میانه حال سخن رانده و سپس در نطق دیگرش در همان کنگره و در ضمن برنامه‌ی حزب که در کنگره‌ی هشتم تصویب شده، گفته است که اکنون برای ما سیاست "سازش" با دهقان میانه حال لازم است، در این صورت از گفته‌ی خود دور شده است.

پس مطلب از چه قرار است؟ مطلب از این قرار است که لنین و حزب در وجود کنگره‌ی هشتم، بین مفهوم "سازش" و مفهوم "اتحاد" هیچ گونه تفاوتی نمی بینند. مطلب از این قرار است که لنین در همه جا، در همه‌ی نطق‌های خود در کنگره‌ی هشتم بین مفهوم "اتحاد" و مفهوم "سازش" علامت تساوی می گذارد. عین همین را هم باید در باب قطعنامه‌ی کنگره‌ی هشتم راجع به مناسبات با دهقانان میانه حال گفت، که در آنجا هم بین مفهوم "سازش" و مفهوم "اتحاد" علامت تساوی گذاشته شده است. و چون لنین و حزب، سیاست سازش با دهقان میانه حال را سیاست تصادفی و زود گذرنده ندانسته و سیاستی طولانی می دانند، لذا به طور مسلم حق دارند سیاست سازش با دهقان میانه حال را سیاست اتحاد محکم با وی و برعکس سیاست اتحاد محکم با دهقان میانه حال را سیاست سازش با وی بنامند. برای اطمینان به این امر کافیهست با گزارش تندنویسی شده‌ی کنگره‌ی هشتم حزب و قطعنامه‌ی خود همان کنگره که مربوط به دهقان میانه حال است، آشنا شد.

این است قسمتی از نطق لنین در کنگره‌ی هشتم:

« چه بسا به واسطه‌ی بی تجربگی کارکنان شوروی و به علت دشواری موضوع، ضرباتی که هدف آن کولاک‌ها بودند به دهقان میانه حال وارد می آمد. در اینجا ما مرتکب گناه عظیمی شدیم.

تجربه‌ای که ما از این حیث اندوخته‌ایم به ما کمک می‌کند که در آینده برای اجتناب از تکرار این خطا هر کاری که ضروری است، انجام دهیم. این است وظیفه‌ای که نه به شکل تئوری بلکه عملاً در جلو ما قرار گرفته است. شما به خوبی می‌دانید که این وظیفه - وظیفه‌ی دشواری است. ما چنین خواسته‌هایی که بتوانیم به دهقانان میانه حال بدهیم نداریم، در صورتی که او مادی و اهل استفاده‌ی عملی است و کمک‌های مادی معینی را تقاضا می‌نماید که ما اکنون آنها را نمی‌توانیم بدهیم و کشور یحتمل باید بدون آنها باز هم طی چندین ماه مبارزه‌ی سختی که به ما وعده‌ی پیروزی کامل می‌دهد، گذران کند. لیکن ما در عمل اداری خود کارهای بسیاری می‌توانیم بکنیم: می‌توانیم دستگاه خود را بهبودی بخشیم، این همه سوء استفاده‌ها را اصلاح نمائیم. ما می‌توانیم و باید خط مشی حزبمان را که به ائتلاف و اتحاد و سازش * با دهقانان میانه حال به قدر کفاف تن در نمیداد، تصحیح نمائیم. » («کنگره‌ی هشتم حزب کمونیست (بلشویک) روسیه»، گزارش تندنویسی شده ص. ۲۴ - ۲۵). [۲۵]

شما می‌بینید که لنین بین "سازش" و "اتحاد" تفاوتی قائل نمی‌گردد. این هم قسمتی از قطعنامه‌ی کنگره‌ی هشتم "راجع به روش نسبت به دهقانان میانه حال":

« دهقانان میانه حال را با کولاک‌ها مخلوط کردن و اقداماتی را که علیه کولاک‌ها متوجه است در حق دهقانان میانه حال به همان درجه یا درجه‌ی دیگر روا داشتن به منزله‌ی آنست که نه تنها تمام احکام حکومت شوروی و تمام سیاست آن، بلکه تمام آن پرنسیپ‌های عمده‌ی کمونیسم نیز که سازش پرولتاریا را با دهقان میانه حال در دوره‌ی مبارزه‌ی قطعی پرولتاریا برای سرنگون کردن بورژوازی، به مثابه‌ی یکی از شرایطی نشان می‌دهند که موجب رسیدن بی‌دردرس به مرحله‌ی رفع هر گونه استثمار میشود، به زشت‌ترین وجهی نقض شود.

دهقانان میانه حال، به علت عقب ماندگی تکنیک کشاورزی از صنایع، حتی در کشورهای مترقی سرمایه‌داری هم (روسیه که جای خود دارد) دارای ریشه‌های نسبتاً محکم اقتصادی بوده و بعد از آغاز انقلاب پرولتاریائی هم تا مدتی طولانی برپا خواهند ماند. بنابراین

تاکتیک کارکنان شوروی در روستا و تاکتیک فعالین حزب باید برای دوران همکاری طولانی با دهقانان میانه حال حساب شود....
.... بدین طریق سیاست کاملاً صحیح حکومت شوروی در روستا اتحاد و سازش پرولتاریای پیروزمند را با دهقانان میانه حال تأمین میسازد....

... سیاست دولت کارگران و دهقانان و حزب کمونیست باید در آینده هم با همین روح سازش پرولتاریا و تهیدست ترین دهقانان با دهقانان میانه حال ادامه یابد. « (تندنویسی گزارش "کنگره‌ی هشتم حزب کمونیست (بلشویک) روسیه" ص. ۴۱۷ - ۴۲۰) [۲۶]

چنان که می بینید قطعنامه هم بین "سازش" و "اتحاد" تفاوتی نمی گذارد. زائد نخواهد بود اگر تذکر داده شود که در این قطعنامه‌ی کنگره‌ی هشتم حتی یک کلمه هم درباره‌ی "اتحاد محکم" با دهقانان میانه حال نیست ولی آیا معنی این آنست که قطعنامه از سیاست "اتحاد محکم" با دهقان میانه حال دور شده است؟ خیر، آن نیست. این فقط به معنی آنست که قطعنامه بین مفهوم "سازش"، "همکاری" و مفهوم "اتحاد محکم" علامت تساوی می گذارد. این هم خود به خود واضح است. اگر با دهقانان میانه حال "سازش" نباشد "اتحاد" هم نمی تواند باشد و اگر سازش و همکاری "متمادی" با دهقان میانه حال نباشد آن گاه اتحاد با او هم نمی تواند "محکم" باشد.
چنینند واقعیات.

از دو حال خارج نیست: یا لنین و کنگره‌ی هشتم حزب از بیانات لنین درباره‌ی "اتحاد محکم" با دهقان میانه حال دور شده‌اند، یا این پندار غیر جدی را باید دور افکند و اذعان نمود که لنین و کنگره‌ی هشتم بین مفهوم "سازش" و مفهوم "اتحاد محکم" هیچ گونه تفاوتی نمی گذارند.

از این قرار کسی که نمی خواهد قربانی لفاظی شود، و کسی که می خواهد به معنای شعار لنین که حاکی از اتکاء به دهقانان تهیدست، سازش با دهقان میانه حال و مبارزه علیه کولاک‌ها است پی ببرد، نمی تواند نفهمد که سیاست سازش با دهقان میانه حال سیاست اتحاد محکم با وی است.

خطای شما در آنست که به حيله و نیرنگ فریبنده‌ی اپوزیسیون پی نبرده، به پروواکاسیون وی تن در دادید و خویشتن را به دامی که حریف برایتان گسترده بود، انداختید. نیرنگ بازان اپوزیسیون جار و جنجال راه انداخته، اطمینان می دهند که آنها در مسئله‌ی سازش با دهقان میانه حال طرفدار شعار لنین می باشند و در ضمن با کنایه و اشاره پروواکاسیون کرده، می گویند "سازش" با دهقان میانه حال - یک چیز و "اتحاد محکم" با وی - چیز دیگری

است. آنها بدین طریق می خواهند با یک تیر دو نشان بزنند. اولاً موقعیت حقیقی خود را نسبت به دهقانان میانه حال که نه سازش با وی بلکه "نفاق" با دهقان میانه حال" است، پنهان سازند (رجوع شود به نطق معروف اپوزیسیونر اسمیرنف که من در کنفرانس شانزدهم ایالتی مسکو از آن نقل قول کرده‌ام)؛ [۲۷] ثانیاً در موضوع تفاوت واهی بین "سازش" و "اتحاد" اشخاص ساده لوحی را از میان بلشویک‌ها به دام انداخته، آنها را کاملاً سر در گم و از لنین دور گردانند.

حال ببینیم بعضی از رفقای ما در جواب این حیل‌گری‌ها چه عکس‌العملی نشان می‌دهند؟ آنها به جای آن که نقاب از چهره‌ی دسیسه‌بازان اپوزیسیون برگیرند، به جای این که این اشخاص را رسوا سازند و نشان بدهند که اینان حزب را درباره‌ی موقعیت واقعی خود فریب می‌دهند، - به جای همه‌ی اینها به دام می‌افتند، خود را به تله می‌افکنند، و راه می‌دهند که آنها را از لنین دور سازند. اپوزیسیون در اطراف شعار لنین سر و صدا راه می‌اندازد، اپوزیسیونرها به دروغ خود را طرفدار لنین وانمود می‌سازند - از این قرار، برای این که مرا با اپوزیسیون مخلوط نکنند، باید از این شعار دوری جویم وگرنه میتوانند مرا به "مصالحه با اپوزیسیون" متهم سازند، - چنین است منطق این رفقا!.

و این مثال یگانه مثال شیوه‌های نیرنگ‌بازانه‌ی اپوزیسیون نیست. مثلاً شعار انتقاد از خود را بگیرد. بلشویک‌ها نمی‌توانند ندانند که شعار انتقاد از خود پایه‌ی عملیات حزبی ما است، وسیله‌ی تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا است، جان متد بلشویکی تربیت کادرها است. اپوزیسیون با راه انداختن سر و صدا این طور وانمود می‌کنند که شعار انتقاد از خود به وسیله‌ی وی یعنی اپوزیسیون اختراع شده و حزب این شعار را از وی ربوده و بدین طریق در جلو اپوزیسیون سر تسلیم فرود آورده است. اپوزیسیون با این عمل خود دو چیز را می‌خواهد اقلأ به دست آورد: نخست این که می‌خواهد طبقه‌ی کارگر را فریب دهد و از وی پنهان دارد که بین انتقاد از خود اپوزیسیونی که هدفش تخریب روح حزبی است و انتقاد از خود بلشویکی، که هدفش را تحکیم روح حزبی قرار داده است، پرتگاهی وجود دارد؛ دوم این که می‌خواهد برخی از ساده لوحان را به دام انداخته، وادار کند از شعار حزبی درباره‌ی انتقاد از خود روگردان شوند.

حال ببینیم بعضی از رفقای ما در مقابل این عمل چه عکس‌العملی نشان می‌دهند؟ به جای این که نقاب از چهره‌ی نیرنگ‌بازان اپوزیسیون برداشته و از شعار بلشویکی انتقاد از خود دفاع نمایند - آنها خود را به تله انداخته، از شعار انتقاد از خود دست می‌شویند، به ساز اپوزیسیون می‌رقصند و در

برابر آن سر تسلیم فرود آورده، اشتباهاً گمان می کنند که از اپوزیسیون دور می شوند.

ممکن بود مقدار زیادی از این قبیل مثال ها آورد.

ولیکن ما در کار خویش نمی توانیم به ساز هیچ کسی برقصیم. به طریق اولی ما نمی توانیم در فعالیت خود حرفهائی را که اپوزیسیونرها در باره ی ما می زنند سر مشق خود قرار دهیم. ما باید راه خود را پیش گرفته برویم و حیلہ گری های فریبنده ی اپوزیسیون و اشتباهات بعضی از بلشویک های ما را هم که فریفته ی پروواکاسیون اپوزیسیونرها می شوند از سر راه خود دور اندازیم. به یاد آورید سخنان مارکس را:

« از راه خود برو، بگذار مردم هر چه می خواهند بگویند! »

[۲۸]

۱۲ ژوئن سال ۱۹۲۸

"پراودا" شماره ی ۱۵۲،

مورخه ۳ ژوئیه سال ۱۹۲۸

توضیحات:

[۲۲] - و. ا. لنین، "اعترافات ارزنده‌ی پیتیریم سارکین" (رجوع شود به جلد ۲۸ آثار - چاپ چهارم، ص. ۱۷۱ به زبان روسی).

[۲۳] - رجوع شود به بیانیه‌ها و قطعنامه‌های کنگره، کنفرانس و پلنوم‌های کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) شوروی سال ۱۹۴۱ - قسمت اول، ص. ۲۹۲ به زبان روسی.

[۲۴] - رجوع شود به جلد ۲۹ آثار و. ا. لنین، ص. ۱۸۳ - منتخب آثار به زبان آلمانی در دو جلد، جلد دوم صفحات ۵۳۳ - ۵۳۴

[۲۵] - رجوع شود به جلد ۲۹ آثار و. ا. لنین، ص. ۱۳۹ - چاپ چهارم به زبان روسی.

[۲۶] - رجوع شود به بیانیه‌ها و قطعنامه‌های کنگره، کنفرانس و پلنوم‌های کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) شوروی سال ۱۹۴۱ - قسمت اول، ص. ۳۰۷ - ۳۰۹، به زبان روسی.

[۲۷] - منظور شانزدهمین کنفرانس ایالتی حزب کمونیست (بلشویک) شوروی در مسکو که از ۲۰ - ۲۸ نوامبر ۱۹۲۷، برگزار گردید. که ی. و. استالین در نطق خود "حزب و اپوزیسیون" در نشست قبل از ظهر ۲۳، نوامبر اظهار داشته بود. (رجوع شود به جلد ۱۰ آثار، ص. ۲۱۸ - ۲۳۲ به زبان آلمانی)

[۲۸] - سخنان پر معنی مارکس در مقدمه‌ی اولین چاپ آلمانی "کاپیتال" (سرمایه) منتخب از "کمدی الهی" اثر دانته. (رجوع شود به آثار منتخب در ۲ جلد، جلد اول - ۱۹۴۸، ص. ۴۲۶ به زبان آلمانی)

صفحه‌ی توفان در شبکه‌ی جهانی اینترنت

www.toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

toufan@toufan.org

پیروزباد حزب طبقه کارگر ایران